

شخصیت حدیثی عمار بن یاسر

محمود کریمی^{۱*}، سعید طاوسی مسرور^۲

^۱استاد دانشگاه امام صادق (ع)، ^۲کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۸/۱۸ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۹)

چکیده

عمار بن یاسر از بزرگان صحابه و سابقان در اسلام است. او پس از پیامبر (ص) یک شیعه راستین بود و به عنوان یکی از ارکان شیعه شهرت یافت. درباره عمار تاکنون نوشته‌های فراوان و گوناگونی منتشر شده اما آنچه در این میان مغفول مانده، شخصیت حدیثی و شخصیت تفسیری این صحابی بزرگ است. با توجه به ثقه بودن عمار نزد فریقین، در منابع روایی شیعه و سنی، میراث حدیثی قابل توجهی از وی به یادگار مانده است. البته تعداد روایات منقول از وی، در جوامع حدیثی شیعه نسبت به روایات او در منابع اهل سنت کمتر است. این مقاله ضمن بازشناسی منابع روایات عمار، به بررسی علل اهتمام بیشتر محدثان متقدم اهل تسنن به نقل احادیث وی، در قیاس با محدثان شیعه پرداخته است. افزون بر آن، روایات جناب عمار را، از حیث محتوایی نیز مورد توجه قرار داده است؛ محتوای عمده روایات عمار را می‌توان چنین دسته‌بندی کرد: سیره و معجزات پیامبر (ص) - فضائل اهل بیت علیهم السلام - تاریخ اهل بیت علیهم السلام، - ملاحم، فتن و علائم ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف - تفسیر قرآن - موضوعات فقهی.

کلیدواژه‌ها عمار بن یاسر، حدیث، پیامبر (ص)، اهل بیت علیهم السلام، فریقین، ملاحم و فتن.

طرح مسأله

عمار بن یاسر از بزرگان صحابه پیامبر (ص) و اصحاب وفادار امیرالمومنین (ع) است که به یقین احادیث فراوانی را از لسان پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) شنیده

۱۲۲ است. مصاحبت طولانی وی با پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع) اقتضا می‌کند که علوم و معارف مقام رسالت و ولایت را به خوبی اخذ کرده باشد و با نقل احادیث، آن را به نسل‌های بعد منتقل کند. تاکنون پژوهشی در مورد شخصیت حدیثی عمار نوشته نشده است. مقاله حاضر، شخصیت حدیثی وی را مورد بررسی قرار داده است. مطالعه احادیث عمار در منابع شیعه و سنی نشان می‌دهد که محدثان اهل سنت، اهتمام بیشتری به نقل احادیث عمار داشته‌اند و با وجود فضایل فراوان او در منابع شیعه، تعداد احادیث منقول از وی قابل ملاحظه نیست. این مساله نیز یکی از دغدغه‌های پژوهش ما است که ذیل عنوان "عمار بن یاسر، راوی مورد اعتماد فریقین" مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش پایانی مقاله، موضوع شناسی روایات عمار است که مجموع روایات منقول از وی را در شش گروه بررسی می‌کند.

۱- نگاهی اجمالی به حیات عمار

ابوالیقظان، عمار بن یاسر بن عامر بن مالک عَنسی، از مَدَحِجیان، یکی از خاندان‌های مشهور قحطانی یمنی است.^۱ از آنجا که یاسر، پدر عمار، پس از آمدن به مکه حلیف ابوحذیفه بن مغیره مخزومی شد، گاهی عمار را به بنی مخزوم نسبت می‌دهند. عمار و پدر و مادر و برادرش عبدالله، در شمار سابقان در اسلام هستند و مادرش سمیه، نخستین شهید اسلام است که در مکه به دست ابوجهل به شهادت رسید (نک: ابن‌ابی- رافع، در مغربی، ۱۸/۲-۱۹؛ ابن‌عبدالبر، ۱۰۱/۳؛ مدنی شیرازی، ۲۵۵-۲۵۶).

عمار از اولین مهاجران است (نک: بخاری، صحیح، ۲۶۳/۴-۲۶۴) که به دو قبله نماز خوانده است. او در بدر و سایر غزوات حضور داشت (مدنی شیرازی، ۲۵۶) و در بیعت رضوان نخستین کسی بود که با پیامبر (ص) بیعت کرد (نک: مغربی، ۴۱۱/۱). او نخستین مسلمانانی است که مسجد بنا کرد (نک: ابن‌ابی‌عاصم، ۵۱؛ طبرانی، الاوائل، ۱۰۹-۱۱۹).

وی پس از پیامبر (ص) یک شیعه راستین بود و در کنار سلمان، مقداد و ابوذر به عنوان یکی از ارکان اربعه شیعه شهرت یافت (نک: مفید، ۶-۷؛ حر عاملی، ۱۸۴). به

۱. زرکلی، ولادت او را ۵۷ سال پیش از هجرت نوشته است؛ (نک: زرکلی، ۳۶/۵).

نوشته ابو حاتم رازی (م ۳۳۲ هـ) این چهار صحابی، در دوران حیات رسول خدا (ص) به شیعه علی (ع) معروف بودند^۱ (ابو حاتم رازی، ۱۹۹).

پیامبر (ص) در غزوه خیبر به او خبر داده بود که پس از آن حضرت در راه رضای خدا و رسول، به جنگ «ناکثین» و «قاسطین» خواهد رفت تا آن که به دست «فئة باغیة» (گروه ظالم) به شهادت رسد و آخرین بهره وی از دنیا، جرعه‌ای شیر خواهد بود. این پیش‌بینی رسول خدا (ص) در جنگ صفین تحقق یافت و عمار بن یاسر پس از عمری مجاهدت، در سن نود و سه یا نود و چهار سالگی، پس از آن که در اثر تشنگی، جرعه‌ای شیر نوشید، به دست سپاهیان معاویه^۲ به شهادت رسید (چهارشنبه ۷ صفر ۳۷ هـ). شهادت عمار در رکاب علی (ع) شاهی دیگر بر حقانیت امیرالمؤمنین (ع) در دو جنگ جمل و صفین به شمار می‌رود؛ زیرا علاوه بر روایت مشهور شهادت عمار به دست «فئة باغیة»^۳، پیامبر (ص) به عمار فرموده بود که در ایام فتنه، با حزب علی (ع) باش؛ زیرا او با حق است و حق با اوست (مغربی، ۴۰۷/۱-۴۱۴؛ خزاز قمی، ۱۲۰-۱۲۶؛ حاکم نیشابوری، ۳/۳۸۵؛ باجی، ۳/۱۱۶۷). گفتنی است مدفن عمار، در منطقه رقه^۴ قرار دارد (نک: تنوخی، ۱۹۰/۱).

۲- شخصیت حدیثی عمار

۱-۲: مشایخ و راویان عمار

از آن جا که عمار، صحابی و سابق در اسلام است، قریب به تمامی روایات او از پیامبر (ص) است؛ هر چند از امام علی (ع) و حذیفه بن یمان نیز روایت می‌کرده است. راویان متعددی از عمار حدیث شنیده‌اند که از میان آنان می‌توان به ابن عباس، جابر بن عبدالله

۱. حسن بن موسی نوبختی و سعد بن عبدالله اشعری قمی نیز نظری چون ابو حاتم رازی دارند (نک: نوبختی، ۱۸-۱۷؛ اشعری، ۱۵).

۲. نقل شده که عمار در جنگ صفین، معاویه و اصحابش را کافران به ظاهر مسلمان خواند که اگر یارانی پیدا کنند، کفر را اظهار می‌کنند؛ (نک: مغربی، ۱۵۷/۲).

۳. این روایت آن قدر مشهور است که معاویه پس از شهادت عمار نتوانست آن را انکار کند؛ بلکه ناشیانه سعی کرد تا آن را به سود خود تأویل کند (نک: احمد بن حنبل، ۱۶۱/۲؛ صدوق، معانی/الاحبار، ۳۵).

۴. شهری است در شمال عراق در جانب شرقی رود فرات که جنگ صفین در نزدیکی آن رخ داد (نک: اصطخری، ۷۶/۲۳؛ یاقوت حموی، ۵۹-۵۸/۳).

۱۲۴ انصاری، ابوالطفیل عامر بن وائله^۱، محمد بن حنفیه فرزند امیر المؤمنین (ع)، سعید بن مسیب، ابوموسی اشعری، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و فرزندش محمد بن عمار^۲ اشاره کرد. امیر المؤمنین علی (ع) نیز گاهی از عمار روایت می‌کردند (برای تفصیل بیشتر نک: طوسی، رجال، ۴۳-۷۰؛ مزی، ۲۱۶/۲۱-۲۱۷)^۳.

۲-۲: عمار بن یاسر، راوی مورد اعتماد فریقین:

این صحابی نامدار مورد اعتماد و احترام فریقین است؛ عموم رجالیان شیعه (برای نمونه، نک: بروجردی، ۱۴۴/۲؛ خوئی، ۲۸۲/۱۳-۲۸۹) و سنی (برای نمونه، نک: مزی، ۲۱۵/۲۱-۲۲۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۳۵۷/۷-۳۵۹) از او با احترام فراوان یاد کرده و فضایل و مناقب بسیار وی را متذکر شده‌اند.

بنابر مطالب پیش گفته، طبیعی است که روایات عمار از دیرباز مورد توجه و حتی موضوع تألیف مستقلی باشد. احتمالاً ابویوسف یعقوب بن شیبۀ سدوسی بصری بغدادی (حدود ۱۸۰- ربیع‌الاول ۲۶۲ هـ) از کبار محدثان اهل تسنن، نخستین کسی است که کتابی به نام مسند عمار بن یاسر تألیف کرده است (نک: نجاشی، ۴۵۱؛ ذهبی، سیر/اعلام النبلاء، ۴۷۶/۱۲-۴۷۹) علاوه بر کتاب یعقوب بن شیبۀ، صاحبان مسانید، بابتی از مسند خود را به روایات عمار اختصاص داده‌اند که می‌توان به ترتیب قدمت، از این مسانید نام برد:

مسند طیالسی (م ۲۰۴ هـ) (نک: طیالسی، ۸۸-۹۰)، مسند حمیدی (م ۲۱۹ هـ) (نک: حمیدی، ۷۸/۱-۸۱)، مسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ) (نک: ابن حنبل، ۲۶۲/۴-۲۶۵، ۳۱۹-۳۲۱) و مسند ابویعلی موصلی (م ۳۰۷ هـ) (نک: موصلی، ۱۷۸/۳-۲۱۳)، مؤلفان صحاح ستۀ اهل تسنن نیز در کتب خود، همگی از او روایت نقل کرده‌اند (نک: ذهبی، الکاشف، ۵۲/۲).

۱. ابو الطفیل عامر بن وائله کنانی لیثی (۱ - ۱۰۰ یا ۱۰۲، ۱۰۷ و ۱۱۰): برقی، نام او را در شمار خواص اصحاب امیر المؤمنین (ع) آورده و کشی او را کیسانی و از معتقدان به حیات محمد بن حنفیه دانسته است. او با مختار قیام کرد و آخرین صحابی پیامبر (ص) است که وفات کرد (نک: برقی، ۴؛ کشی، ۳۰۸-۳۰۹؛ طوسی، رجال، ۷۰؛ ابن حبان، ۶۴؛ ابن عبد البر، ۱۶۹۶/۴؛ خطیب تبریزی، ۱۱۹؛ ذهبی، الکاشف، ۵۲۷/۱).

۲. او به همراه پدرش در جنگ‌های جمل و صفین حضور داشت. وی از اصحاب پیامبر (ص) نیز به شمار می‌رود و آن حضرت بیماری برص او را شفا داد (نک: ابن ابی رافع، در: مغربی، ۱۸/۲؛ طوسی، رجال، ۵۰؛ برای نمونه‌هایی از روایات او از پدرش، نک: طیالسی، ۸۹؛ کوفی، ۴۲۸/۱؛ صدوق، علی الشرایع، ۸/۱ و طبری صغیر، دلائل الامامة، ۱۰۳-۱۰۴).

۳. زرکلی تعداد روایات عمار را ۶۲ حدیث ذکر کرده است (نک: زرکلی، ۳۶/۵).

هر چند محدثان شیعه در آثار گوناگون خود روایات عمار را آورده‌اند^۱، اما نظر به قلت روایات وی در کتب اربعه^۲، می‌توان گفت اهتمام محدثان متقدم اهل تسنن به نقل روایات عمار، بسی بیشتر از همتایان شیعی آنان بوده است. علت این امر را می‌توان صحابی بودن عمار و منحصر بودن منابع روایی اهل تسنن به احادیث نبوی و آثار صحابه و تابعان دانست. حال آن که شیعیان همواره از منبع غنی روایات امامان اهل بیت علیهم السلام برخوردار بوده‌اند. در توضیح و تأیید بیشتر این مطلب، می‌توان گفت که این رویه تنها درباره عمار رخ نداده؛ بلکه درباره سلمان فارسی (م ۳۶ هـ)، ابوذر (م ۳۲ هـ) و مقداد (م ۳۳ هـ) نیز که همراه با عمار به ارکان اربعه شیعه شهرت دارند، وضع به همین منوال است. صاحبان صحاح سته، همگی از سلمان، ابوذر و مقداد روایت آورده‌اند (نک: ذهبی، الکاشف، ۴۵۱/۱، ۲۹۰/۲، ۴۲۴) همچنین در مسند احمد بن حنبل روایات فراوانی از آنان آمده است (نک: ۱۴۴/۵-۱۸۱، ۴۳۷-۴۴۴، ۶-۲/۶) اما در کتب اربعه، با حذف مکررات، جمع روایات سلمان، مقداد و ابوذر به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد. در باب افزودن روایات عمار در منابع اهل تسنن نکات زیر نیز شایان توجه است:

الف) در اصالت برخی روایات منسوب به عمار در منابع اهل تسنن، می‌توان بسیار تردید کرد و برخی از آن‌ها به وضوح با شیعه بودن عمار در تضاد است؛ برای نمونه در روایتی که ابویعلی موصلی آورده، از عمار چنین نقل شده که از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: «... از جبرئیل خواستم که از فضایل عمر بن خطاب نزد اهل آسمان برایم بگوید؛ پس چنین گفت ای محمد! اگر به اندازه عمر نوح، یعنی نهصد و پنجاه سال، برای تو از فضایل عمر بگویم، تمام نمی‌شود؛ حال آن که عمر چون حسنه‌ای است از حسنات ابوبکر»^۳ (موصلی، ۱۷۹/۳). چگونه این روایت می‌تواند از عمار باشد، در حالی که او در

۱. برای نمونه نک: صدوق، الخصال، ۳۶۲، علل الشرایع، ۸/۱؛ خزاز قمی، ۱۲۰-۱۲۶؛ کراچی، ۱۶۲-۲۸۴؛

طوسی، الخلاص، ۴۹۰/۱، ۷۲۲-۷۲۳، الغیبه، ۴۴۱؛ فتال نیشابوری، ۴۵۹.

۲. در بین کتب اربعه، فقط در کافی، یک روایت وجود دارد که سند آن به عمار منتهی می‌شود (نک: کلینی، ۳۳۳/۸)؛ اما لازم به ذکر است که ضمن روایاتی از این کتاب از سوی صادقین علیهما السلام و اصغین نباته، به قول یا فعل عمار اشاره یا احتجاج شده و یا از عمار سخنی به میان آمده است (نک: کلینی، ۴۵۰/۱، ۲/۲، ۲۱۹، ۳/۳، ۳۶۶، ۱۰/۵-۱۲).

۳. برای نمونه‌هایی دیگر نک: روایتی در باب عایشه، در: طیالسی، ۹۰؛ و روایتی در باب حلال بودن گوشت خرگوش، در: ابویعلی موصلی، ۳، ۱۸۶-۱۸۷؛ لازم به ذکر است در مکتب اهل بیت (ع) خوردن گوشت خرگوش حرام است (نک: حزین لاهیجی، ۲۸۶).

۱۲۶ دوران خلافت ابوبکر (۱۱-۱۳ هـ) علناً با وی مخالفت می‌کرد و در دوران خلافت عمر (۱۳-۲۳ هـ)، مردم را به سبب پذیرش خلافت عمر، با وجود امیرالمؤمنین علی (ع) سرزنش می‌کرد؟^۱ (نک: یعقوبی، ۱۲۷/۲، ۱۳۹، ۱۶۱؛ یحیی بن حسین، ۱۴).

ب) نکته دیگر التزام عملی شیعه به حدیث ثقلین و اهتمام محدثان متقدم شیعه و صاحبان کتب اربعه، به نقل روایات امامان اهل بیت علیهم السلام به خصوص امام صادق (ع)، در برابر توجه محدثان اهل تسنن به روایات صحابه از پیامبر اکرم (ص) است. در این باره روایتی از ابان بن تغلب قابل توجه است؛ از ابان نقل است که «شیعه کسی است که اگر مردم در قول پیامبر (ص) اختلاف کنند، به قول علی (ع) رجوع می‌کند و اگر در قول علی (ع) اختلاف شود، قول جعفر بن محمد علیهما السلام را اخذ می‌کند» (نجاشی، ۱۲). نتیجه عملی قول ابان را می‌توان به وضوح، در کتب اربعه دید؛ زیرا جمع روایات رسول الله (ص) (۳۳۱۱ روایت) و امیرالمؤمنین (ع) (۳۰۰۳ روایت)، از روایات امام باقر (ع) (۸۲۷۴ روایت) کمتر است و فاصله بسیاری با تعداد روایات امام صادق (ع) (۳۱۴۵۱ روایت) دارد.^۲ بنابراین به طور کلی در کتب اربعه، در قیاس با احادیث صادقین علیهما السلام، از صحابه کمتر روایت شده است.

ج) روایانی که از پیامبر (ص) و امام علی (ع) حدیث شنیده‌اند و روایت یا روایاتشان در کتب اربعه آمده، متعدد بوده‌اند و از هر کدام از آنان یک یا چند روایت بیشتر نیامده است به جز معدود افرادی چون جابر بن عبدالله انصاری و اصبغ بن نباته که به ترتیب ۳۰ و ۷۳ روایت از آنان در کتب اربعه آمده است. طبیعی است که روایات جابر بن عبدالله انصاری در کتب اربعه، بسیار بیشتر از عمار باشد؛ زیرا عمار در میان صحابه، به کثرت حدیث مشهور نیست؛ حال آن که افرادی چون ابوهریره و جابر انصاری، بدین امر شهرت دارند. از آن میان روایات ابوهریره، به جهت موافقت اکثر آن‌ها با مکتب خلفاء، در میان شیعه رواج ندارد؛ اما روایات جابر انصاری، مورد عنایت محدثان متقدم شیعه بوده است (ابن اثیر، ۲۵۶/۱-۲۵۷؛ ابوریة، شیخ المضیرة ابوهریره، ۲۰۷ به بعد).

۲. نک: بخش ۲-۳ از همین مقاله.

۳. همگی با احتساب مکررات.

۴. علت فراوانی احادیث صادقین علیهما السلام نسبت به رسول خدا (ص) و سایر امامان علیهم السلام در کتب اربعه، این است که این کتب بر اساس اصول اربعمائه شکل گرفته‌اند و این اصول چهارصدگانه، بیشتر از صادقین علیهما السلام خصوصاً جعفر بن محمد (ع) روایت شده است تا آن جا که برخی بر این نظرند که تمام این چهارصد اصل، از امام صادق (ع) اخذ شده است (نک: انصاری، ۴۰۷/۳-۴۰۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۱/۱-۱۲).

د) چنان که در بخش راویان احادیث عمار آمد، راویانی شیعه یا حداقل با گرایش شیعی، مانند ابن عباس، جابر بن عبدالله انصاری، ابوالطفیل عامر بن وائله، محمد بن حنفیه فرزند امیرالمؤمنین (ع)، عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و محمد بن عمار، فرزندش، از او روایت می‌کردند؛ اما نظر به قلت شمار شیعیان تا دوران صادقین علیهما السلام، راویان روایات عمار از طبقه دوم به بعد غالباً سنی هستند؛ یعنی اسناد منتهی به عمار بیشتر سنی است تا شیعی. در نتیجه، این اسناد در محافل حدیثی شیعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ه) نکته بعد، تفاوت رویکرد مؤلفان متقدم اهل تسنن و شیعه در تدوین کتب حدیث است. این تفاوت رویکرد را بدین شکل می‌توان تبیین کرد:

در قرون متقدم، در میان اهل تسنن، بر خلاف شیعه، تألیف مسانید رایج بوده است. در تألیف مسند، روایات یک صحابی جمع آوری می‌شد؛ مانند مسند عمار بن یاسر از یعقوب بن شبیه سدوسی که پیشتر از آن یاد کردیم؛ بعضاً، روایات شماری از صحابه در کنار هم یک کتاب را تشکیل می‌داد و در آن کتاب روایات هر یک از صحابه در بابی جداگانه ذکر می‌شد؛ مانند مسند احمد بن حنبل. غالباً در این مسانید، روایات صحابه از صحیح، حسن، ضعیف، شاذ و منکر گردآوری شده است (ابوریة، اضواء علی السنة المحمدية، ۳۲۴). در نتیجه معمولاً ذیل نام هر یک از صحابه مشهور، مانند عمار و سلمان، تعداد قابل توجهی حدیث می‌آمد. گواه این مدعا، کثرت فوق‌العاده مجموع روایات مسند احمد، در قیاس با هر یک از صحاح است. این مطلب که روایات عمار در کتب متقدم اهل تسنن بسیار بیشتر از کتب متقدم شیعه است، با در نظر گرفتن این مسانید است؛ در غیر این صورت، اگر تنها صحاح سته را ملاک قرار دهیم، با احتساب مکررات، از حجم روایات عمار در منابع سنی، به میزان قابل توجهی کاسته می‌شود.

۲-۳: موضوع‌شناسی روایات عمار

در این قسمت به موضوعاتی می‌پردازیم که بخش مهمی از روایات عمار را به خود اختصاص می‌دهد؛ هر چند روایات او منحصر به این موضوعات نیست و همچون راویان دیگر، متفرقات و نوادری نیز در روایات او دیده می‌شود که از آن میان می‌توان برای نمونه، به روایات اخلاقی منقول از وی^۱ اشاره کرد.

۱. برای نمونه نک: بخاری، الادب المفرد، ۴۸؛ موصلی، ۳، ۱۹۱، ۱۹۷، ۲۰۴؛ ابن‌سلامه، ۶۵/۲.

۲-۳-۱: سیره پیامبر (ص) و معجزات ایشان:

از آنجا که عمار از مهاجران سابق در اسلام بوده، طبیعی است که بسیاری از روایات او متضمن سیره پیامبر اکرم (ص) باشد. در ادامه به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: عمار در هنگام بیماری رسول خدا (ص) که منجر به وفات آن حضرت شد، بر بالین ایشان حضور داشت و از پیامبر (ص) درباب غسل پیکر ایشان پرسید و رسول خدا (ص) این مهم را به علی (ع) واگذار کردند (صدوق، الامالی، ۷۳۲). پیامبر اکرم (ص) به عمار خبر دادند که خداوند، پس از وفات آن حضرت، فرشته‌ای را بر قبر ایشان قرار می‌دهد که نام هر کس را که بر آن بزرگوار صلوات فرستد، می‌داند و بر هر یک از آنان در برابر هر صلوات، بیست بار درود می‌فرستد^۱ (ابن طاوس، جمال الاسبوع، ۱۶۱).

پیشگویی پیامبر (ص) درباب جنگیدن امام علی (ع) با «ناکثین» (اصحاب جمل)، «قاسطین» (اصحاب صفین) و «مارقین» (اصحاب نهروان)، از عمار روایت شده است (نک: کوفی، ۵۵۲/۲). علاوه بر این از عمار نقل شده که پیامبر (ص)، در غزوهٔ عشیره، علی (ع) را مکتبی به ابوتراب کرد و به آن حضرت خبر داد که همانا شقی‌ترین مردم دو نفرند، یکی آن که ناقهٔ صالح (ع) را {که گواه رسالت او بود} پی کرد و دیگری آن که علی (ع) را به شهادت خواهد رساند (نک: نسایی، ۱۲۹-۱۳۰) به جز این پیشگویی‌ها و اخبار غیبی، در روایات عمار به برخی معجزات رسول خدا (ص) اشاره شده است (برای نمونه، نک: قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ۱۵۵/۱، ۱۵۸-۱۵۹ و نیز التفسیر المنسوب الی الامام أبي محمد الحسن بن علی العسكري (ع)، ۶۰۱-۶۰۲).

۲-۳-۲: خصائص و فضایل اهل بیت علیهم السلام:

در میان صحابهٔ پیامبر اکرم (ص)، عمار از مبلغان و مروجان فضائل اهل بیت علیهم السلام، خصوصاً امیرالمؤمنین علی (ع) بوده و این موضوع بخش عمده‌ای از روایات او را به خود اختصاص داده است. در حالی که در همان دوران، برخی از صحابه، از نقل چنین روایاتی پرهیز می‌کردند.

عمار می‌کوشید با نقل روایات پیامبر (ص) درباب جایگاه و حق اهل بیت علیهم السلام، مردم را نسبت به انحراف بزرگ رخ داده پس از وفات پیامبر اکرم (ص) یعنی

۲. عقیلی به سند شیعی این روایت، طعن زده است اما هیشمی مشابه این روایت را نقل کرده است (نک: عقیلی، ۲۴۸-۲۴۹؛ هیشمی، ۳۱۸-۳۱۹).

دور نمودن اهل بیت علیهم السلام از جانشینی رسول خدا (ص) و زعامت امت اسلام، آگاه کند. او حدیث غدیر را به مردم یادآوری می‌کرد (نک: منقری، ۳۳۸؛ مزی، ۲۸۴/۳۳) اما اصحابی چون انس بن مالک، براء بن عازب، اشعث بن قیس کندی و خالد بن یزید بجلي، با آن که چون عمار، حدیث غدیر را از میان دو لب پیامبر (ص) شنیده بودند، اما این حدیث را کتمان می‌کردند و حاضر نشدند، برای اثبات حقانیت علی (ع)، به شنیدن این حدیث شهادت دهند (صدوق، الخصال، ۲۱۹-۲۲۰).

نقل شده که عمار در دوران خلافت خلیفه دوم، با استناد به روایاتی که خود از پیامبر (ص) شنیده بود^۱، برای مردم از برتری و شایستگی علی بن ابی طالب (ع) نسبت به عمر بن خطاب، سخن می‌گفت. او بیان داشت که: «از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: «هیچ قومی کار خود را به فردی که بهترین آنان نیست، نسپرد، مگر آن که کار آنان رو به زوال رفت» (مغربی، ۱۹۶/۱).

در منابع شیعی^۲ و سنی^۳، روایاتی از عمار در باب لزوم پذیرش ولایت علی (ع) وارد شده است. در برخی از این روایات، به این که حضرت علی (ع) وارث و خلیفه بعد از پیامبر (ص) است، تصریح شده و حتی بر دوازده امام علیهم السلام نص شده است (نک: خزاز قمی، ۱۲۰-۱۲۶) علاوه بر این، لازم است به کاربرد لفظ «شیعه» در روایاتی از عمار اشاره کنیم (نک: مغربی، ۴۶۸/۳-۴۶۹؛ طبری صغیر، نوادر المعجزات، ۹۶-۹۸) در یکی از این روایات، پیامبر (ص) به صراحت شیعیان اهل بیت علیهم السلام را نجات‌یافتگان و مخالفانشان را هلاک‌شدگان معرفی کرده‌اند (نک: کلینی، ۳۳۳/۸).

شایسته است در خاتمه این بخش، به برخی روایات منقول از عمار در باب فضائل اهل بیت علیهم السلام، فهرست‌وار اشاره شود:

نزول آیه ولایت (مائده/۵۵) در شأن امیرالمؤمنین علی (ع) (نک: ابن مردویه اصفهانی، ۲۳۵).

نامیده شدن علی (ع) به صدیق اکبر از جانب حق تعالی در شب معراج (نک: مغربی، ۴۶۸/۳-۴۶۹).

۱. مانند این روایت: «علی (ع) بهترین انسان است و هرکس این را نپذیرد کافر می‌شود».

۲. برای نمونه نک: کوفی، ۴۸۲/۲؛ مغربی، ۱۵۱/۱، ۲۲۱، ۲۳۲-۲۳۳.

۳. برای نمونه نک: موصلی، ۱۷۸/۳-۱۷۹؛ ابن مغزالی، ۲۹۹-۳۰۱؛ ابن عساکر، ۲۳۹/۴۲-۲۴۰، ۲۸۱-۲۸۲.

معصوم بودن علی (ع) از گناه (نک: صدوق، *علل الشرايع*، ۸/۱؛ ابن مغزلی،

(۱۹۹).

همسانی جایگاه علی (ع) در روز قیامت با جایگاه پیامبر اکرم (ص) و حضرت ابراهیم

(ع) (نک: صدوق، *الخصال*، ۳۶۲).

تشبیه اهل بیت علیهم السلام به باران (مغربی، ۵/۳).

۳-۳-۲: تاریخ اهل بیت علیهم السلام:

شرح وقایع تاریخی مرتبط با خاندان عصمت علیهم السلام نیز بخش مهمی از روایات عمار را تشکیل می‌دهد. معمولاً عمار در بیان این روایات، راوی دست اول است؛ زیرا به جهت علاقه‌ای که به اهل بیت علیهم السلام داشته، خود در صحنه حاضر بوده است. یکی از این موارد آخرین وصایای رسول خدا (ص) به خاندان عصمت علیهم السلام است. بنا بر نقل ابوالطفیل از عمار، زمانی که رسول خدا (ص) در بستر وفات بود، علی (ع) را به نزد خود خواند و به آن حضرت فرمود: «تو وصی و وارث من هستی ... اما با وفات من، این قوم بر تو سخت خواهند گرفت ... پس فاطمه و حسنین علیهم السلام گریستند. ... پیامبر (ص) به حضرت فاطمه سلام الله علیها بشارت داد که او نخستین فرد از اهل بیت است که به ایشان ملحق خواهد شد ... و بدو گفتند: «تو سرور زنان بهشتی و پدرت سرور پیامبران و پسر عمویت بهترین اوصیا و پسرانت سرور جوانان اهل بهشت. ۹ امام معصوم از نسل حسین (ع) و مهدی این امت از ماست. سپس به علی (ع) در باب غسل و تکفین خود سفارش کردند. ... پس علی (ع) به سفارش پیامبر (ص) به کمک فضل بن عباس، آن حضرت را غسل داد و ... بدن مطهر را در همان حجره‌ای که وفات آن بزرگوار رخ داد، به خاک سپرد» (خزاز قمی، ۱۲۰-۱۲۶) شرح ماجرای هجوم به خانه حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از عمار روایت شده است (طبری صغیر، نوادر المعجزات، ۹۶-۹۸).

۴-۳-۲: علائم ظهور، ملاحم و فتن:

روایات عمار از پیامبر اکرم (ص) در این باره، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا گویای این حقیقت است که پیامبر (ص) خود به بیان و تبلیغ حقیقت مهدویت و فرهنگ انتظار اقدام کرده و اصحاب خود را با دوران مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف، آشنا نموده است، تا این حقایق مورد تأکید پیامبر، از طریق اصحاب به نسل‌های بعدی منتقل شود. برای نمونه در خبری که خزاز قمی از عمار نقل کرده، نبی اکرم (ص)، مواردی چون

مهدی بودن نهمین امام از نسل امام حسین (ع)، غیبت طولانی مهدی (ع) و همنام بودن و شبیه بودن آن حضرت به رسول الله (ص) را برای عمار بیان کرده است. در ادامه این روایت، پیامبر اکرم (ص) از این که بعد از ایشان، ایام فتنه آغاز می‌شود، خبر داده و به عمار توصیه کرده‌اند که همواره از علی (ع) و حزب وی پیروی کند (خزاز قمی، ۱۲۴-۱۲۶).

در خبری که طوسی به سند خود از عمار نقل کرده، به طور خاص به علائم ظهور اشاره شده و مواردی چون خروج سفیانی و جنگ او در قرقیسیاء، قتل نفس زکیه و ندای آسمانی بیان شده است (نک: طوسی، الغیبة، ۴۶۳-۴۶۴).

در منابع دیگر نیز روایاتی منسوب به عمار، درباب علائم ظهور آمده است که برخی از موضوعات آن از این قرار است:

شعیب بن صالح، پرچمدار مهدی (ع) (نک: ابن طاوس، الملاحم والفتن، ۱۲۰).

امارت سفیانی و حوادثی دیگر (نک: همان، ۱۲۸).

قتل نفس زکیه و ندای آسمانی (نک: همان، ۱۳۲).

شایان ذکر است کتاب *الفتن* نعیم بن حماد مروزی از مهم‌ترین و شاید کهن‌ترین منابع روایات عمار درباب ملاحم و فتن است (نک: مروزی، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۹-۱۹۰، ۲۰۶، ۲۰۹).

۲-۳-۵: تفسیر قرآن:

به دلیل سابقه عمار در اسلام و کثرت مصاحبت او با رسول خدا (ص) طبیعی است که روایات قابل توجهی از او در تفسیر آیات قرآن کریم وارد شود و مورد توجه مفسران فریقین قرار گیرد. در ادامه، به برخی روایات تفسیری منقول از وی اشاره می‌شود. گفتنی است غالب این روایات به نقل از پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است؛ اما تعداد کمی از آن‌ها نیز موقوفه به عمار است:

- نزول آیه ولایت (مائده/۵۵) در شأن امیرالمؤمنین علی (ع) (نک: عیاشی، ۳۲۷/۱).

- تطبیق صالح المؤمنین (تحریم/۴) بر علی (ع) (نک: حسکانی، ۳۴۷/۲).

- تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده بر امام علی (ع) و یارانش در جنگ با ناکثین، قاسطین و

مارقین (نک: طبرسی، ۳۵۷/۳-۳۵۸؛ قطب راوندی، *فقه القرآن*، ۳۷۰/۱).

- تفسیر مائده آسمانی حضرت مسیح (ع) (نک: مائده/۱۱۴) (نک: طبری،

۱۷۹/۷-۱۸۰؛ طوسی، *التبیان*، ۶۱/۴-۶۲؛ طبرسی، ۴۵۵/۳).

— تفسیر آیه ۴۹ سوره آل عمران و آیه ۱۱۵ سوره مائده (نک: صنعانی، ۱۲۱/۱-۱۲۲؛ طبری، ۳۸۲/۳؛ ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۲۵۲/۴).

- بیان شأن نزول آیه تیمم (نساء/۴۳) (نک: ثعلبی، ۳۲۰/۳-۳۲۱؛ واحدی نیشابوری، ۱۰۲).

- تفسیر آیه ۱۲ سوره توبه (نک: ثوری، ۱۲۳-۱۲۴).

۲-۳-۶: موضوعات فقهی:

عماربن یاسر به عنوان یکی از فقهای کبار صحابه شهرت دارد (نک: مدیر شانه‌چی، ۳۱)؛ از همین روست که در منابع فریقین، به روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) در موضوعات گوناگون فقهی، به نقل از عمار برمی‌خوریم که عمده آن‌ها در احکام عبادات است. به عنوان مثال، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

احکام نجاسات (نک: موصلی، ۱۸۵/۳-۱۸۶).

احکام جنابت (طیالسی، ۸۹؛ ابویعلی موصلی، ۲۰۳/۳).

احکام تیمم (شافعی، [بی‌تا]، ۱۶۰؛ دارمی، ۱۹۰/۱؛ بخاری، صحیح، ۸۷/۱؛ ابن‌ماجه قزوینی، ۱۸۸/۱-۱۸۹؛ کلینی، ۶۲/۳).

احکام وضو (طیالسی، ۸۹؛ ابویعلی موصلی، ۱۸۰/۳).

حکم جواب سلام در نماز (احمدبن حنبل، ۲۶۳/۴؛ کلینی، ۳۶۶/۳).

استحباب طولانی بودن نماز جمعه و کوتاه بودن خطبه آن (حاکم نیشابوری، ۲۸۹/۱، ۳۹۳/۳).

روزه یوم الشک (ابویعلی موصلی، ۲۰۸/۳).

روزه عاشورا (ابن‌خزیمه، ۲۸۴/۳).

حرمت دروغ بستن به پیامبر (ص) (موصلی، ۲۰۳/۳؛ طبرانی، طرق حدیث، ۱۴۹).

از آنجا که عمار نزد فریقین، ثقة و مورد اعتماد است، فقهای شیعه و مذاهب اربعه سنی، در بیان احکام، به روایات او استناد کرده‌اند (برای نمونه نک: سیدمرتضی، ۹۷؛ حلی، منتهی‌المطلب، ۱۸۱/۳، تذکره الفقهاء، ۱۹۲/۲-۱۹۳؛ نجفی، ۱۰۱/۱۱-۱۰۲) و برای ملاحظه استنادات فقهای سنی، نک: سرخسی، ۵۲/۱؛ ابن‌قدامه، ۵۱/۲؛ رافعی، ۴۱۲/۶؛ آبی ازهری، ۲۹۶).

از مطالب پیش گفته این نتایج به دست می‌آید:

۱- عمار بن یاسر از اصحاب نامدار رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) و راوی مورد اعتماد و احترام فریقین است. روایات متعدد او در منابع شیعی و سنی، نه تنها گنجینه‌ای گرانبها برای شناخت تاریخ، سیره و فضائل پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) به-شمار می‌رود، بلکه مورد اعتنا و توجه مفسران فریقین و فقهای مذاهب گوناگون اسلامی است.

۲- اصالت نداشتن برخی روایات منسوب به عمار در منابع اهل سنت، التزام عملی شیعه به حدیث ثقلین، کثیرالحدیث نبودن عمار، سنی بودن غالب اسناد منتهی به روایات عمار، تفاوت رویکرد مؤلفان متقدم اهل تسنن و شیعه در تدوین کتب حدیث، از عواملی است که باعث شده تعداد احادیث عمار در منابع حدیثی شیعه، در مقایسه با منابع اهل سنت، کمتر باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. آبی ازهری، صالح عبدالسمیع، *الثمر الدانی فی تقریب المعانی فی شرح رسالة ابن ابی-زید القيروانی، بیروت، المكتبة الثقافية، بی تا؛*
۳. ابن ابی حاتم رازی، ابومحمد عبدالرحمن، *تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، به کوشش اسعد محمد طیب، صیدا، المكتبة العصرية، بی تا؛*
۴. ابن ابی رافع، عبیدالله، *تسمیة من شهد مع علی صلوات الله علیه حروبه من المهاجرین و الانصار، در مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج ۲، به کوشش سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴هـ.ق؛*
۵. ابن ابی عاصم، ابوبکر احمد بن عمرو، *الاولئ، به کوشش محمود محمد محمود حسن نصار، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۱هـ.ق؛*
۶. ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۱، بیروت، دار الكتاب العربی، افست تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی تا؛*
۷. ابن حبان، ابوحاتم محمد، *مشاهیر علماء الامصار، به کوشش مرزوق علی ابراهیم، منصوره، دارالوفاء، ۱۴۱۱هـ.ق؛*

- ۱۳۴
۸. ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، تهذیب‌التهذیب، ج ۷، بیروت، دار
الفکر، ۱۴۰۴ هـ. ق؛
۹. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دار صادر، بی تا؛
۱۰. ابن خزیمه سلمی نیشابوری، ابوبکر محمد بن اسحاق، صحیح، ج ۳، به کوشش
محمد مصطفی اعظمی، بی جا، مکتب الاسلامی، ۱۴۱۲ هـ. ق؛
۱۱. ابن سلامه قضاعی، ابو عبدالله محمد، مسند الشهاب، ج ۲، به کوشش حمدی
عبدالمجید سلفی، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵ هـ. ق؛
۱۲. ابن طاوس حسنی حسینی، سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی، التشریف بالمنن فی
التعریف بالفتن (الملاحم والفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ هـ. ق؛
۱۳. همو، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، به کوشش جواد قیومی جزه‌ای
اصفهان، بی جا، مؤسسه الآفاق، ۱۳۷۱؛
۱۴. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ۴،
بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ هـ. ق؛
۱۵. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۸، ۴۲، به کوشش علی
شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ هـ. ق؛
۱۶. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن، ج ۱، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی،
بیروت، دار الفکر، بی تا؛
۱۷. ابن مردویه اصفهانی، ابی بکر احمد بن موسی، مناقب علی بن ابی طالب وما نزل من
القرآن فی علی، به کوشش عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۲
هـ. ق؛
۱۸. ابن مغزلی، ابوالحسن علی بن محمد جلابی واسطی مالکی، مناقب اهل البيت، به
کوشش محمد کاظم محمودی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۴۲۷ هـ.
ق، چاپ اول؛
۱۹. ابوحاتم رازی، احمد بن حمدان، الزینة، در آقانونی، علی، گرایش‌ها و مذاهب اسلامی
در سه قرن نخست هجری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۲،
چاپ اول؛
۲۰. ابوریة، محمود، اضواء علی السنة المحمدية، بی جا، نشر البطحاء، بی تا، الف، چاپ
پنجم؛

۲۱. همو، شیخ المضیرة ابوهریرة، مصر، دار المعارف، افسط بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی تا، ب، چاپ سوم؛
۲۲. اشعری قمی، سعدبن عبدالله، المقالات والفرق، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱؛
۲۳. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی، مسالك الممالک، به کوشش محمد جابر عبدالعال حسینی، قاهره، الشركة الدولية، ۲۰۰۴؛
۲۴. انصاری، محمدعلی، الموسوعة الفقهية المیسرة، ج ۳، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۰، چاپ اول؛
۲۵. باجی مالکی، ابوولید سلیمان بن خلف، التعدیل والترجیح، ج ۳، به کوشش احمد بزار، مراکش، وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیة، بی تا؛
۲۶. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، الادب المفرد، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۰۶ هـ ق؛
۲۷. همو، صحیح، ج ۱، ۴، استانبول، دار الطباعة العامرة، چاپ افسط، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ هـ ق؛
۲۸. برقی، منسوب به احمد بن محمد بن خالد، رجال، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳؛
۲۹. بروجردی، سید علی اصغر بن سید محمد شفیع جابلقی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، ج ۲، به کوشش سید مهدی رجائی و سید محمود مرعشی، قم، مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ اول؛
۳۰. التفسیر المنسوب الی الامام أبي محمد الحسن بن علی العسکری (ع)، به اشراف سید محمد باقر موحد ابطحی، چاپ اول، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله فرجه الشريف، ۱۴۰۹ هـ ق؛
۳۱. تنوخی، ابوعلی محسن بن ابی القاسم علی، الفرج بعد الشدة، ج ۱، قم، منشورات الشريف الرضی، ۱۳۶۴، چاپ دوم؛
۳۲. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۳، به کوشش ابی محمد بن عاشور و نظیر ساعدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ هـ ق، چاپ اول؛

- ۱۳۶ ۳۳. ثوری، ابوعبدالله سفیان بن سعید، تفسیر، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۳هـ ق، چاپ اول؛
۳۴. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ۲، ۳، به کوشش یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا؛
۳۵. حر عاملی، محمد بن حسن، رجال، به کوشش علی فاضلی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۷هـ ق، چاپ اول؛
۳۶. حزین لاهیجی، محمدعلی بن ابی طالب، رسائل حزین لاهیجی، به کوشش علی اوجبی و دیگران، تهران، آینه میراث، ۱۳۷۷، چاپ اول؛
۳۷. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، به کوشش محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱هـ ق، چاپ اول؛
۳۸. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴هـ ق؛
۳۹. همو، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۳، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۴هـ ق، چاپ اول؛
۴۰. حمیدی، ابوبکر عبدالله بن زبیر، مسند، ج ۱، به کوشش حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹هـ ق، چاپ اول؛
۴۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الاثر، به کوشش سید عبد اللطیف حسینی کوه کمری خوئی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱هـ ق؛
۴۲. خطیب تبریزی، ولی الدین ابوعبدالله محمد بن عبدالله، الاکمال فی اسماء الرجال، به کوشش ابواسدالله بن حافظ محمد عبدالله انصاری، قم، مؤسسه اهل البيت (ع)، بی تا؛
۴۳. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ پنجم؛
۴۴. دارمی، ابومحمد عبدالله بن بهرام، سنن، ج ۱، دمشق، مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹هـ ق؛
۴۵. ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب الأرناؤوط و صالح سمر، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶هـ ق؛
۴۶. همو، الکاشف فی معرفة من له الروایة فی الکتب الستة، ج ۱، ۲، به کوشش محمد عوامة و احمد محمد نمر الخطیب، جده، دار القبلة للثقافة الاسلامیة و مؤسسه علوم القرآن، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ اول؛

۴۷. رافعی، ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد، *فتح العزیز فی شرح الوجیز*، ج ۶، بیروت، دار الفکر، بی تا؛
۴۸. زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، ج ۵، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۰، چاپ پنجم؛
۴۹. سرخسی، شمس الدین، *المبسوط*، ج ۱، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ھ ق؛
۵۰. سید مرتضی، علی بن حسین موسوی بغدادی، *الانتصار*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ھ ق؛
۵۱. شافعی، محمد بن ادريس، *مسند*، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی تا؛
۵۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *الامالی*، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ھ ق، چاپ اول؛
۵۳. همو، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة، ۱۴۰۳ھ ق؛
۵۴. همو، *علل الشرايع*، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵؛
۵۵. همو، *معانی الاخبار*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۷۹؛
۵۶. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱، به کوشش مصطفی مسلم محمد، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۱۰ھ ق، چاپ اول؛
۵۷. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، *الاوائل*، به کوشش محمد شکور بن محمود حاجی آمریر، بیروت، دار الفرقان و مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸ھ ق، چاپ سوم؛
۵۸. همو، *طرق حدیث من کذب علی متعمدا*، به کوشش محمد بن حسن غماری، بیروت، دار البشائر الاسلامیة، ۱۴۱۷ھ ق، چاپ اول؛
۵۹. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۵ھ ق، چاپ اول؛
۶۰. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، ج ۳، ۷، به کوشش صدقی جمیل عطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ھ ق؛
۶۱. طبری صغیر، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ھ ق، چاپ اول؛
۶۲. همو، *نوادیر المعجزات*، قم، مؤسسة الامام المهدي عجل الله فرجه الشريف، ۱۴۱۰ھ ق، چاپ اول؛

۱۳۸. ۶۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بی‌جا، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ اول؛
۶۴. همو، *الخلاف*، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ هـ ق؛
۶۵. همو، *رجال*، به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ اول؛
۶۶. همو، *الغیبة*، به کوشش عباد الله طهرانی و علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ هـ ق، چاپ اول؛
۶۷. طیالسی، ابوداود سلیمان بن داود، *مسند*، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا؛
۶۸. عبدالله بن قدامة، موفق الدین ابومحمد، *المغنی*، ج ۲، بیروت، دار الكتاب العربی، بی‌تا؛
۶۹. عقیلی، محمد بن عمرو، *الضعفاء الکبیر*، ج ۳، به کوشش عبدالمعطی امین قلجی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ هـ ق، چاپ دوم؛
۷۰. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر*، ج ۱، به کوشش سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیة، بی‌تا؛
۷۱. فتال نیشابوری، ابوعلی محمد بن حسن، *روضه الواعظین*، قم، منشورات الشریف الرضی، بی‌تا؛
۷۲. قطب راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة الله، *الخرائج والجرائح*، ج ۱، به کوشش سید محمداقر موحد ابطحی، قم، مؤسسه الامام المهدي عجل الله فرجه الشریف، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ اول؛
۷۳. همو، *فقه القرآن*، به کوشش سید احمد حسینی و سید محمود مرعشی، قم، مکتبة آية الله العظمی النجفی المرعشی، ۱۴۰۵ هـ ق، چاپ دوم؛
۷۴. کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم، مکتبة المصطفوی، ۱۳۶۹، چاپ دوم؛
۷۵. کشی، محمد بن عمر، *رجال*، ج ۱، [تلخیص] محمد بن حسن طوسی، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، به کوشش سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ هـ ق؛
۷۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵؛

۷۷. کوفی، محمد بن سلیمان قاضی، مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، ج ۱، ۲، به کوشش محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۲هـ ق، چاپ اول؛
۷۸. مدنی شیرازی، صدرالدین سید علی خان حسینی، الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة، قم، مکتبة بصیرتی، ۱۳۹۷؛
۷۹. مدیرشانه چی، کاظم، علم الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ بیستم؛
۸۰. مزنی، جمال الدین ابوالحجاج یوسف، تهذیب الکمال، ج ۲۱، ۳۳، به کوشش بشّار عواد معروف و شعیب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳هـ ق، چاپ سوم؛
۸۱. مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج ۱، ۲، ۳، به کوشش سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱هـ ق؛
۸۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری و سید محمود زرنندی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴هـ ق، چاپ دوم؛
۸۳. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، المؤسسة العربیة الحدیثة، چاپ دوم، ۱۳۸۲، چاپ افست، قم، منشورات مکتبة آية الله - العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳هـ ق؛
۸۴. موصلی، احمد بن علی بن مثنی تمیمی، مسند، ج ۳، به کوشش حسین سلیم اسد، دمشق - بیروت، دار المأمون للتراث، ۱۴۰۸هـ ق؛
۸۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶هـ ق، چاپ پنجم؛
۸۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۱، به کوشش عباس قوجانی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵؛
۸۷. نسایی، ابو عبدالرحمن احمد بن علی بن شعیب، خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی - طالب (ع)، به کوشش محمد هادی امینی، تهران، مکتبة نینوی الحدیثة، بی تا؛
۸۸. نعیم بن حماد مروزی، ابو عبدالله، الفتن، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴هـ ق؛
۸۹. نمازی شاهرودی، حسن، ترجمة العلامة آية الله الشيخ علی النمازی، در، نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۱، تهران، حسن نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲هـ ق، چاپ اول؛

۱۴۰. نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی، *فرق الشیعة*، به کوشش سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۵؛
۹۱. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، *اسباب النزول*، قاهره، مؤسسه الحلبی، ۱۳۸۸؛
۹۲. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، *بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث*، به کوشش مسعد عبد الحمید محمد السعدنی، قاهره، دار الطلائع، بی تا؛
۹۳. یاقوت حموی بغدادی، شهاب الدین ابوعبدالله، *معجم البلدان*، ج ۳، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵، چاپ دوم؛
۹۴. یحیی بن حسین، الهادی الی الحق، *تشییت الإمامة*، بیروت، دار الامام السجاد (ع)، ۱۴۱۹ هـ ق، چاپ دوم؛
۹۵. عقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح، *تاریخ*، ج ۲، بیروت، دار صادر، بی تا، چاپ افست، قم، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

Bibliography

1. *The Holy Quran*;
2. Ibn Athir al-Jazari, Abu'l Hasan Ali, *Usd al-Ghaba fi Ma'rifa al-Sahaba*, Dar al-kitab al-Arabi, Beirut, n.d;
3. Ibn Hajar Asqalani, Shahab al-Din, *Tahdhib al-Tahdhib*, Dar al-Fikr, Beirut, 1404 A.H;
4. Ibn Maja, Muhammad ibn Yazid, *Sunan*, Dar al-Fikr, Beirut, n.d;
5. Istakhri, Abu Ishaq Ibrahim, *Masalik al-Mamalik*, Al-Sharika al-Duwaliyya, Cairo, 2004;
6. Tha'labi, Abu Ishaq Ahmad, *al-kashf wa'l Bayan an Tafsir al-Quran*, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, 1422 A.H;
7. Hurr Amili, Muhammad ibn Hasan, *Rijal*, Dar al-Hadith, Qum, 1427 A.H;
8. Hilli, Hasan ibn Yusuf, *Tadhkira al-Fuqaha*, Muassasa Al al-Bayt, Qum, 1414 A.H;
9. Khu'i, Abu'l Qasim, *Mu'jam Rijal al-Hadith*, Qum, 1413 A.H;
10. Dhahabi, Shams al-Din, *Siyar A'lam al-Nubala*, Muassasa al-Risala, Beirut, 1406 A.H;
11. Sayyid Murtada, Ali ibn al-Husayn, *al-Intisar*, Muassa al-Nashr al-Islami, Qum, 1414 A.H;
12. Shafi'i, Muhammad ibn Idris, *Musnad*, Dar al-Kutub al-Ilmiyya, Beirut, n.d;
13. Saduq, Muhammad ibn Ali, *al-Amali*, Muassasa al-Bi'tha, Qum, 1417 A.H;

14. Tabari, Abu Jafar Muhammad, *Jami' al-Bayan 'an Ta'wil 'Ay al-Quran*, Dar al-Fikr, Beirut, 1415 A.H.

